**سهراب حقیقت[[1]](#footnote-1)**

**ویروس کرونا: مجلای تعارض علم و دین در قرن بیست و یکم**

**چکیده**

از جمله مباحث اختلافی فیلسوفان دین، رابطه علم و دین است. با ظهور پدیده علمی جدید یعنی ویروس کرونا دوباره رابطه علم و دین در مجامع علمی در معرض نقد و ارزیابی قرار گرفت. در جوامع دینی مواجهه های متفاوتی با این ویروس از انکار تا اذعان از سوی دینداران مطرح شد. هر کدام از طرفین متناسب با مبانی اعتقادی و معرفتی خود، واکنش های عملی و رفتاری از خود نشان دادند که در هر حال منجر به تعارض بین علم و دین می شود. واکاوی نوع مواجهه با ویروس کرونا، علل روی آوردن به واکنشهای نظری و عملی غیر معقول و در نهایت راههای برون رفت از رفتارهای غیر عقلانی ساختار این مقاله را تشکیل می دهند. به این نتیجه رسیدم که تامل در مشهورات دینی و ضرورت بازخوانی آنها، اهمیت دادن به خرد ورزی و پذیرفتن جایگاه حقیقی علم می تواند در رفع تعارض بین علم و دین راهگشا و حافظ مقام و جایگاه دین در شئون زندگی باشد.

**واژه های کلیدی:** کرونا، مشهورات دینی، علم، عقل، دین

1. **مقدمه**

بیماری های فرا گیر مثل طاعون، وبا، سل، جذام و ... همواره تاریخ بشریت را تحت تاثیر گذاشته است. حتی سبک زندگی انسانها را برای مدتی تغییر داده و چه بسا باورهای دینی آنان را متزلزل ساخته است. در دوران امپراطوری یوستینیانوس(ژوستی نین) معروف به امپراطور متالّه، بیماری طاعون در سالهای 542، 558 و 566 سراسر ایتالیا را فرا می گیرد(دورانت، 1373 الف: 43-141). سالهای 550 و 664، طاعون زرد در ایرلند حدود دو سوم جمعیت را از بین می برد( همو، 1373 ب: 51-1350) بیماری معروف به بیماری سوزان که امعاء و احشام بدن را می سوزاند در طول سالهای994، 1043، 1089 و 1130 به جان مردم آلمان و فرانسه می افتد(همان). در سال 1348م ایتالیا به ویژه فلورانس دوباره درگیر طاعون می شود که به تناوب تا سال 1365 ادامه پیدا می کند(همان، 1373 ج: 35-32). این بیماری که به مرگ سیاه معروف شده بود، حتی به اهل کلیسا رحم نکرد و از بیست و چهار کاردینال نه تن، از شصت و چهار اسقف اعظم بیست و پنج تن و از سیصد و هفتاد و پنج اسقف دویست و هفت اسقف مردند.(همو، 1371: 78) مرگ سیاه سی و دو سال از قرن چهارده، چهل و یک سال از قرن پانزده و سی سال از قرن شانزده را به خود اختصاص می دهد و یک چهارم از جمعیت جهان را از بین می برد(همان). بوکاچیو، نویسنده قرن چهارده ایتالیا، که از نزدیک شاهد عینی این بیماری بود در نخستین صفحات کتاب خود این واقعه را با زبان ادیبانه و همراه با ذکر مصائب و آلام بی واسطه توصیف می کند.(1393: 26-18) مردم علل شگفت انگیزی برای این بیماری ها قائل می شدند: قحطی، خشکسالی، هجوم حشرات، نفوذ ستارگان، اقدام یهودیان در ریختن زهر به چاههای آب، خشم خدا و قران بی موقع زحل و مشتری و مریخ را از جمله این علل می دانستند.(دورانت، 1373 ب: 1350؛ 1371، 79؛ بوکاچیو، 1393: 21) ایران زمین نیز در اکثر اوقات با انواع بیماری به ویژه طاعون درگیر بود بررسی شیوع این بیماری تنها در عصر صفویه گویای این مساله است. شیوع طاعون در سالهای 892، 946 و 952 و 988 در تبریز(روز بهان خنجی، 1382: 232؛ روملو، 1384؛ ج3: 1270 و 1270 و 1328) 981 و 1034 در اردبیل(همان، 1487؛ ترکمان، 1387: ج1، 118؛ ج3 22-1021) 1001 در قزوین(ترکمان، ج2: 458) و 1002 در اصفهان و همچنین هنگام سقوط حکومت صفویه (اکهارت، 1383: 147) که در هر کدام از این شهرها حدود شش هزار الی صد هزار تلفات داشته، حکایت از این مصیبت جهانی دارد. در این سرزمین نیز علل شگفت آوری برای این بیماری چون نحسی زمان تاجگذاری شاه و اوضاع نامناسب ستارگان قائل می شدند(کمپفر، 1360: 2-51). نوع رفتار انسانها و نهادها با چنین بیماری ها و تدابیری که در طول تاریخ برای رفع این نوع از مشکلات اندیشیده شد، می تواند راهگشا و نجات بخش انسان امروزی باشد البته این زمانی ممکن است که یکی از منابع تفکر ما تاریخ باشد. امری که قرآن به آن توصیه می کند. آیات بسیاری هست مثل آیه 137 سوره آل عمران که به مطالعه اقوام گذشته دعوت می کند. از نظر قران تاریخ بشر و تحولات آن بر طبق یک سلسله سنن و نوامیس صورت می گیرد. عزت و ذلت ها، موفقیت ها و شکست ها و خوشبختی ها و بدبختی های تاریخی حساب های دقیق و منظم دارم و با شناخت آن حساب ها و قانون ها می توان تاریخ حاضر را تحت فرمان درآورد و به سود سعادت خود و مردم حاضر از آن بهره گیری کرد(مطهری، 1378 الف: 70).

1. **پدیده ویروس کرونا**

بعد از شیوع بیماری کرونا در جامعه ما ، واکنش ها نسبت به این واقعه متعدد و حتی متفاوت بود هر کسی بنا به تناسب نظام معرفتی خویش داوری خود را در مواجهه با این بیماری عرضه می‌کرد. از آنجا که شیوع آغازین بیماری در شهر قم رخ داده بود و از طرف دیگر در روایات عدیده قم به عنوان شهر پناهندگان در زمان وقوع بلایا معرفی شده است، تعارضی در پذیرفتن و نپذیرفتن وجود خارجی چنین بیماری در بین عوام و حتی خواص شکل گرفت. و علاوه بر مشکلات روزمره، چالش های معرفتی و اعتقادی نیز مطرح شد. مردم در بین خود می پرسیدند چرا دروازه های دوزخ از شهری باز شده که بنا به برخی روایات نزدیک به نیمی از دروازه های بهشت از آن گشوده می‌شوند. چرا شهری که به دارالشفا، سرزمین نجیبان، حجت بلاد، معدن علم و فضل، استراحتگاه مومنان، پناهگاه شیعیان، ماوای فاطمیان، محل باز شدن درب بهشت، سرزمین مقدس، سالم ترین شهر ها، بلد امین، شهر پربرکت و... مشهور بود، منبع ویروس و بلا شد. چنین سوالاتی باعث شد که واکنش‌های مختلفی نسبت به وجود ویروس کرونا ابراز شود.

1. **انواع مواجهه با کرونا**

برخی بنا به مبانی معرفتی و اعتقادی وجود ویروس را انکار کردند و نهایت تدبیر آنها، سیاست انکار بود که عین بی تدبیری است. اما گروهی دیگر وجود ویروس را پذیرفتند ولی نوع رفتار آنها باعث بروز مشکلات دیگر در جامعه شد. آنچه در ادامه می آید این مواجهه های متفاوت می باشد.

**1-3- انکار ناشی از هنجار ستیزی عامیانه و عالمانه**

در هر جامعه ای عده ای از افراد وجود دارند که قانون ستیزند. در این میان افراد عامّی هستند که به خاطر ناآگاهی و دانش ناکافی از موارد بهداشتی پیروی نمی کنند. به این دلیل که شاید آموزش کافی در این زمینه دریافت نکرده و سطح آگاهی بالایی از این قضیه ندارند. دسته دیگر عالمانه و عامدانه با هر نوع هنحاری ستیز دارند همیشه در پی عنادورزی با قوانین جامعه بوده و به دلایل مختلف از قوانین و هنجارها تخلف می کنند. این دسته از منکران طرف صحبت ما نیست و به روانشناسان و جامعه شناسان محول می شود.

 **2-3- انکار مبتنی بر مشهورات جامعه**

بی شک منبع بسیاری از باورهای ما مشهورات جامعه هستند و روشن است که بنا به گفته ابن سینا " رُبَّ شُهرَةٍ لا اصلَ لَها" چه بسیار مشهوراتی که هیچ اصلی و بنیادی ندارند. برخی از مشهورات صادق بوده و مطابَقی در جهان خارج دارند اما در کنار آنها مشهوراتی داریم که کاذب بوده و هیچ مطابقی ندارند بلکه صرفا به خاطر شیوع در جامعه، به تدریج جزء باورهای مردم قرار گرفته اند بی آنکه هیچ اصل و حقیقتی داشته باشند. از جمله این باورهای ماخوذ از مشهورات جامعه، برخی از باورهای دینی هستند که می توانند صادق یا کاذب باشند. باور به مکانهای مقدس و شهرهای مقدس جزء این باورهای مشهور است مثل مقدس پنداشتن شهر قم و حتی شهر مکه. حال آنکه تاریخ به ما می آموزد که هیچ مکانی از بلایا و امراض در امان نبوده است برای نمونه شیوع طاعون در سال 1831 در شهر مکه منجر به فوت سه چهارم زائران شد. از این روست که شهید مطهری اکثر روایاتی که درباره فضائل امکنه صادر شده‌اند را دارای مشکل می‌داند، چرا که چنین روایاتی در طول تاریخ با انگیزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و اعتقادی جعل شده‌اند.

به نظر می رسد قائل شدن به شهرها و مکانهای مقدس در ظرف عالم ماده، تاب استدلال و برهان آوری ندارد بلکه نوعی مقدس سازی و مقدس تراشی است که حاصل تعطیلی عقل می باشد. از منظر واکاوی فلسفی نمی‌توان در عالم ماده از مکان های مقدس صحبت کرد چرا که مقدسات ساحتی فراتر از ساحت ماده را می طلبند. نظر به اینکه عالم ماده، عالم تزاحم ها است و موجودات مادی مرکب از وجود و ماهیت بوده و ماهیات مبدا کثرات و شرورند باید گفت عالم ماده نمی تواند وعای مقدّسات باشد به عبارت دیگر مقتضی مادیّت، مقدس نبودن است. پژوهش تاریخی و تجربی درباره شهرهایی چون اورشلیم، روم، مکه و قم چنین نگاهی را تایید می کند. این دسته ار منکران وجود خارجی ویروس کرونا را منکران دینی می نامم که به نام دین چنین باورهایی را در خود پرورش داده اند در حالیکه دامن دین از چنین نسبت هایی مبرا می باشد.

**3-3- انکار ناشی از توهم توطئه**

گروهی دیگر طرح مساله کرونا را توطئه سرمایه داری بر علیه کشورهای اسلامی پنداشتند. این گروه که ذهنشان با مسئله توهم توطئه مانوس است در حقیقت نوع اندیشیدن شان ریشه در ساختار فرهنگی و سیاسی کشور دارد. توهم توطئه نوعی حالت روانی است که در آن فرد یا گروه به همه کس و همه چیز سوءظن دارد. این حالت پارانویا نامیده می شود. در تئوری توهم توطئه فرض بر این است دستهای آشکار و بیشتر پنهان رقم زننده ی مقررات فرد، جامعه و یا یک ملت هستند. چنین فردی تمام وقایع سیاسی و حوادث و وقایع تاریخی را در دست پنهان و قدرتمند سیاست بیگانه و سازمانهای سیاسی و اقتصادی و حتی مذهبی می پندارد به گمان او همه انقلاب ها، شورش ها، جنگ ها، عقب ماندگی ها، وابستگی های اقتصادی و سیاسی، فروپاشی سلسله ها، حتی کمبود محصولات کشاورزی، سقوط ارزش پول، قحطی ها و زلزله ها توسط دست پنهان کارگردانی می شود و همه سیاستمداران کشور همچون عروسک خیمه شب بازی و بازیگران افسانه های جن و پری از پس پرده و با اشاره او حرکت می کند کسی که به توهم توطئه مبتلاست به نظر خود ایمان و اعتقاد دارد و بر این باور است که تو مویی بینی و من پیچش مو تو ابرو و من اشارت های ابرو.(اشرف، 1390: 70-69 )آن قدرت‌های خارجی گویا قدرت مطلق، کاملاً مسلط و واقف به همه جریانات هستند و همه حرکت‌های روی صحنه به فرمان آنان صورت می گیرد.(همان: 10) این گروه را منکران سیاسی و سیاست زدگان می نامم که اولین واکنش آنها در برابر هر واقعه ای به جای تدبیر و خردورزی، انکار آن واقعه است و تلاش می کنند با تعمیم و تسری و تطبیق حادثه جدید با حوادث گذشته سخن خود را به کرسی بنشانند. این گروه خود را صاحب رای دانسته و سخنان اهل فن و متخصصان را بی پایه به حساب می آورند. علاوه بر ساختار سیاسی، مربیان و مشاوران چنین افرادی انسانهای توده گرا و عوام پرست هستند و معمولا ادعا می کنند که از طرق خاص به وجود توطئه پی برده اند.

**4-3- اذعان به وجود ویروس**

در مقابل منکران وجود خارجی کرونا، اما برخی دیگر وجود این واقعیت را پذیرفته و واکنشهای متفاوتی ابراز کردند. گروهی آن را با مساله مهدویت ربط داده و وقوع کرونا را مقدمه ظهور امام زمان دانستند و وضعیت پیش آمده را با مرگ سفید مزبور در برخی روایات تطبیق دادند. گفتند روایات بسیاری داریم که قبل از ظهور امام غایب مرگ سفید آدمیان را از پا خواهد انداخت برای اثبات این سخنان خویش تمسک جستند به تصاویر پرتونگاری ریه های کسانی که بر اثر ابتلا به این بیماری کرونا ریه هاشان سفید شده است در نتیجه معتقد شدند این همان مرگ سفید است و در نتیجه ظهور امام زمان نزدیک است. لذا به طرح احادیث پرداختند از جمله اینکه "قبل از قیام قائم (علیه‌السلام)، دو نوع مرگ و میر رخ می‌دهد؛ مرگ سرخ و مرگ سپید. تا این‌که از هر هفت نفر، پنج نفرشان از بین بروند. مرگ سرخ با شمشیر و مرگ سفید با طاعون است. یا این حدیث که از امیرالمومنین(ع) پرسیدند: آیا برای ظهور حضرت مهدی(ع) علامت و نشانه ای است؟ فرمود: نعم، قتل فظیع و موت سریع و طاعون شنیع. گروه دیگر هر چند وجود کرونا را پذیرفتند اما با رویکرد متفاوتی بین ویروس کرونا با مسئله مهدویت ارتباط برقرار کردند به این صورت که معتقد بودند تجمعات، اگر تجمعات دینی باشد و در مجامع و مجالس دینی برگزار شود از آنجا که صاحب آن جلسات خود امام عصر است، مدیریت آن جلسه توسط ایشان صورت گرفته و در نتیجه حافظ جان آن گروه بوده و هیچ مشکلی پیش نمی آید. لذا رعایت دستورات بهداشتی و محدودیت‌های توصیه شده را مورد توجه قرار نمی دادند. در حقیقت با این رفتار نادرست خویش این توهم را آفریدند که بین دین و علم به جای آنکه تعامل برقرار باشد، تعارض بر قرار است. برخی دیگر با نگاه حداکثری به دعا و فهم نادرست از جایگاه دعا معتقد بودند هر مشکلی به ویژه مساله کرونا با دعا به درگاه باری تعالی رفع می شود، لذا به جای تحقیق و پژوهش درباره علت این ویروس یا پیروی از نظر پژوهشگران این حوزه، راحت ترین عمل یعنی دعا کردن را انتخاب کردند و چه بسا نهضت دعا نویسی راه انداختند. غافل از این که دستور دین این است که همه جا عمل می کنیم با دعا و هیچ جا دعا نمی کنیم؛ بدون عمل. و نهایتا گروه دیگری مطرح شد که به جای تکیه بر تجربه جهانی و درمان تخصصی، جهت درمان این بیماری، طب سنتی جالینوسی، طب مرسوم و مشهور در بین مردم یعنی طب عامیانه و طب اسلامی را مطرح کردند و به تجویز دارو هایی به نام امامان و خوردن خاک فلان منطقه و دیگر راهکارهای غیر علمی پرداختند.

1. **علت رفتارهای نامعقول**

سوال این است که علت بروز واکنشهای غیر عقلانی در برابر پدیده ویروس کرونا که نهایتا منجر به تعارض علم و دین و حتی نفی دین می شود، چیست؟

**1-4- جهل**

از منظر فلسفی جهل منبع تمام شرور است. مهمترین علت بروز و ظهور باورهای نظری و رفتارهای عملی نادرست نسبت به واقعیتی به نام ویروس کرونا جهل انسان ها اعم از جهل مقدس و غیر مقدس می باشد. جهل نسبت به تعالیم دینی، جهل به تاریخ، جهل به طبیعت و ... می تواند انسان را به سوی هر باور و هر عملی سوق دهد. جهل باعث می شود انسان حدود خویش را نشناسد و علی رغم توصیه های دینی درباره عدم اظهار نظر راجع به اموری که نسبت به حقیقت آنها جاهل هستیم، انسان جاهل بدون در نظر گرفتن این توصیه ها از حد خویش فراتر رفته و نسبت به هر امری اظهار نظر کرده و به خاطر این موضع گیری های جاهلانه خویش منشا مشکلات و آفاتی در جامعه می شود. در ما نحن فیه جهل از ماهیت بیماری به ویژه از سوی مدعیان دین، باعث شیوع سریع ویروس در اقصی نقاط کشور شد و فرصت استفاده از امکانات و تجهیزات پزشکی و بهداشتی را از مردم گرفت و حتی خود این، منشاء اعتراض مردم شد که اگر به توصیه های بهداشتی توجه می شد، ویروس به راحتی کنترل می شد.

**2-4- مقدس تراشی**

انسان معاصر در کشاکش افراط و تفریط دچار مشکلات عدیده شده است. برخی در راستای مقدس زدایی(secularization) و عرفی سازی تلاش می کنند و گروه دیگر با مقدس تراشی و مقدس سازی(canonization) اذهان را منحرف می کنند. چه مقدس سازی و چه مقدس زدایی هر دو مطرود بوده و بلای جان انسان امروزی می باشد. تاریخ بشریت از هر دو طرف صدمات فراوانی دیده است. منطقی آن است که حد اعتدال رعایت شود و هرکدام از مقدس و نا مقدس در جای خویش قرار بگیرند. نه می‌توان با قدسی زدایی به آرامش و سعادت یافت و نه با مقدس سازی و مقدس تراشی بتوان به سعادت حقیقی واصل شد. از منظر تاریخی و دینی، سیره انبیا و امامان و همچنین رفتار علمای زمان حکایت از ستیز با قدسی زدایان و مقدس تراشان دارد. آفت مقدس سازی بسیار خطرناک است و می تواند به جای دفاع از دین، برای همیشه دین را از بین ببرد همانطوری که با بررسی قرون وسطی چنین امری را مشاهده می کنیم. البته که روشن است جهل عامل و منشاء اصلی خروج از حد اعتدال و تمایل به قدسی سازی یا قدسی زدایی می باشد. به نظر می رسد اذهان عامّی در جوامع دینی بیشتر برای مقدس سازی مهیا می باشند. اگر تقریر حداکثری از دین ارائه شود به نحوی که دین را متکفل تمام شئون حیات آدمی بدانیم به مرور زمان شخصیت های مقدس، مکان های مقدس و شهرهای مقدس در ذهن و زبان انسانهای این سرزمین شکل می گیرد. غافل از اینکه این مقدس سازی ها در دل خود تعارضی خطرناک را پرورش میدهند. از یک طرف به خاطر دنیایی بودن، اقتضای احکام دنیا و ترتب آثار مادیت را دارند و از طرف دیگر به خاطر مقدس پنداشتن آنها، احکام مقابلِ احکام دنیایی را می توان برایشان در نظر گرفت. این تعارض به مرور زمان چالش های اعتقادی و عملی می آفریند. از بین رفتن جان صدها انسان در برخی شهرها نتیجه چنین چالشی است که امروزه به عینه شاهدیم و این باعث شد که مردم نه تنها در مقدسات ساختگی بلکه در مقدسات حقیقی نیز شک و تردید داشته باشند.

**3-4- تصور نادرست از مقولات دینی**

انسان دینی همواره با مفاهیم دینی اندیشیده و با مقولات دینی زندگی می کند. مسئله دعا و بحث مهدویت جزء مواردی است که امروزه در مواجهه با ویروس کرونا به وفور مطرح می شود. متاسفانه فرهنگ عامیانه ما روح اصلی دعا را بازگو نمی کند. بی شک راحت ترین کار، نشستن و دعا کردن است بدون اینکه از ماهیت حقیقی دعا و کارکرد اصلی آن تصور درستی داشته باشند. در نظر بسیاری از افراد، دعا کردن به معنای خواستن حل مشکلات دنیوی و رفع تلخی ها و رنجهای زندگی است. گویی نقش اصلی دعا رفع کاستی های مادی و تامین خواسته های دنیوی است. دعا نزد این افراد گریزگاه کاهلانی است که برای جبران خامی ها و سستی های خود به خدا رو می آورند(سروش، 1378: 51-250). حال آنکه دعا ابزار زندگی نیست بلکه ابراز بندگی است. همچنین دعا رقیبی برای طبیعت و عقل نیست. دستور دین این است که همه جا عمل می کنیم با دعا و هیچ جا دعا نمی کنیم؛ بدون عمل(همان: 86-185) به عبارت دیگر دعا و نیایش هیچ منافاتی با تدبیر و عقل ورزی ندارد آنچه مذموم است تهی کردن دعا از عقلانیت می باشد یعنی تکیه بر دعا و دیگر هیچ. حال آنکه تعالیم دینی سرشار از دعوت به تدبیر و تعقل و در کنار آنها دعا و نیایش است. دعای صرف بدون عمل، با منطق دین ناسازگار است و مستلزم دعا گریزی می باشد.

تک تک آموزه های دینی می توانند منشا سعادت باشند یا مبدا شقاوت چه برای خود و چه برای جامعه. بستگی دارد که دستگاه ادراکی بشر چه تصوری از آنها داشته باشد. از جمله این آموزه های دینی مساله مهدویت می باشد. شهید مطهری به خاطر حساسیت این مسئله از انتظار سازنده و انتظار مخرب در آثارش صحبت می کند. به نظر ایشان انتظار فرج و آرزو و امید و دل بستن به آینده دو گونه است: انتظاری كه سازنده و نگهدارنده است، تعهدآور است، نیروآفرین و تحرك بخش است، به گونه ای است كه می تواند نوعی عبادت و حق پرستی شمرده شود؛ و انتظاری كه گناه است، ویرانگر است، اسارت بخش است، فلج كننده است و نوعی «اباحیگری» باید محسوب گردد.این دو نوع انتظار فرج، معلول دو نوع برداشت از ظهور عظیم مهدی موعود است. (مطهری، 1389: 407) به نظر می رسد تطبیق وضعیت پیش آمده با مسئله مهدویت و به دنبال آن تلاش برای یافتن احادیث مرتبط یا صاحب عزا و صاحب مجلس دانستن امام زمان در تجمعات و در نتیجه عدم رعایت محدودیت ها و توصیه های بهداشتی بخشی از برداشتهای نادرست از مسئله مهدویت و همان انتظار مخرب می باشد. این فهم نادرست از مقوله مهدویت ریشه در فهم نادرست از بحث دین دارد تا زمانی که در مسئله مهدویت خرد ورزی نشود و تصور شود که این مسئله با عقلانیت ارتباطی ندارد، منبع خیر را به منبع شر و آفت تبدیل خواهیم کرد. دین عین عقلانیت است. لذا دین و مقولات پیرامون آن تا با معیار های عقلانیت توزین نشوند به اهداف حقیقی خود دست نمی یابند. از دیگر باورهای مشهور که باعث مشکلات عدیده شده است باور به دفن اجساد در اماکن متبرکه است. غافل از اینکه علاوه بر زائران، دانشجویان، بازرگانان و مسافران که از منابع شیوع بیماری های واگیر دار در طول تاریخ بوده اند، حمل اجساد بیمار از شهری به شهر دیگر منجر به شیوع و گسترش آن بیماری در شهر مقصد شده است. برای نمونه علت اصلی شیوع طاعون در سال989 در شهر قم حمل اجساد تعدادی از فوت شدگان طاعون در تبریز برای دفن در آن شهر بود. بنا به مفاد متن دین، حفظ جان واجب است و اضرار به غیر حرام است لذا از باب تقدم وجوب بر مستحب و همچنین تقدم یقینیات بر مشهورات باید در این نوع باور دقت لازم را داشته باشیم.

**5-4- تقریر حداکثری از دین**

با اندک تاملی در تاریخ دین در قرون وسطی، آشکار می شود که تقریر حداکثری از دین در نهایت منجر به نفی آن خواهد شد. اساسا به لحاظ دینی رنسانس واکنشی به قرائت رسمی از دین که کلیسا متولی آن بود، می باشد. مساله اصلی نوع نگاه دینداران به ویژه مراجع دینی به بحث انتظار از دین می باشد. یعنی قرائت حداکثری از دین و تقلیل دین به فقه و جستن تمام راه حلها در فقه، که چنین قرائتی البته از تاریخ بسیار نازلی بر خوردار است، به حای حل مسائل دینی، منشا مشکلات دینی شده است. پندار استخراج تمام علوم از متن دین به پایان رسیده است. این سخن نه از روی مخالفت با دین بلکه بخاطر کرامت دین و حفظ حرمت دین است. دین امری است قدسی ولی علوم بشری امری زمینی و دائما در معرض رد و ابطال هستند و مقایسه آن ساحت قدسی و الهی با این ساحت عرفی و بشری به تنزل مقام دین می‌انجامد. انتظار حداکثری از دین دفاع از دین نیست بلکه خارج ساختن دین از مسیر و اهداف اصلی خود می باشد. فهم نادرست از دین توسط خواص و تقلیل آن به فقه و مراسم و مناسک دین و ارائه آن به عنوان امر احساسی، دین را از حقیقت خود تهی می کند. ضمن اینکه می توان گفت آنچه در فقه آمده حداقلی است نه حداکثری. انتظار حداکثری از احکام حداقلی به فرجام نا خوشایند دین گریزی منجر می شود.(سروش، 1379: 87) دین فروشگاهی نیست که همه چیز در آن بفروشند از دین فقط باید دین را خواست. بقیه شئون زندگی از اقتصاد گرفته تا مدیریت و برنامه‌ریزی را باید با تکیه بر حجّت باطنی یعنی عقل بشری تامین کرد. بهترین راه برای تعیین انتظارات بشر از دین همین است که از خود دین بپرسیم برای رفع کدام حاجات و درمان کدام درد ها آمده است پیامبران و داعیان دینی برای کار خود چه اهداف و مقاصدی را معیّن و معرفی کرده اند. هر چند این شیوه نیز وافی به مقصود نیست چون فهم متون دینی مبتنی بر تنقیح پیشفرضها و همچنین بررسی صدق و کذب دعاوی برخاسته از آن فهم ها می باشد که تا چه اندازه ادعاهای دین و داعیان آن صادق و معتبرند و اساسا تحقیق پذیر و عقلانی هستند یا نه. قبل از ورود در فهم دین، باید معیار فهم دین را در دست داشت و یکی از آن معیار ها تعیین حدود انتظارات خویش از دین است. معنی انتظار ما از دین، تحمیل خواسته های خود بر دین نیست. انتظار از دین یعنی تبیین اینکه دین چه می تواند بکند آمده و آماده است تا چه بکند (سروش، 1376: 138-134) انتظار رفع تمام مشکلات از دین، مستلزم شی انگاری دین و تنزل آن به امر بشری و در نهایت تعطیلی عقل می شود. این نوع انتظار از دین و این قرائت ار دین، در واقع هم ضد دین و تعالیم دینی است و هم ضد مقام و کرامت انسانی. غافل از اینکه دین نازل شده است تا معقول واقع شود. تدین عین عقلانیت است.

**6-4- تعطیلی عقل**

همانطور که گفته شد لازمه تقریر حداکثری از دین، تعطیلی عقل می باشد این همان هشداری است که شهید مطهری درباره مقدس مآبان و مدعیان تبلیغ دین داده است که به نام دین با همه چیز از جمله علم و معرفت مبارزه کرده و آن را حجاب اکبر می دانند. وقتی که علم دشمن دین معرفی شود و علما و دانشمندان به نام دین در آتش افکنده شوند و یا سر هاشان زیر گیوتین برود مسلما و قطعاً مردم به دین بدبین خواهند شد. مربیان دین باید اول بکوشند خودشان عالم و محقق و دین شناس باشند و به نام دین مفاهیم و معانی نامعقولی را در اذهان مردم وارد نکند که همان معانی نامعقول منشا حرکت‌های ضد دینی می شوند(مطهری، 1378 ب: 405). با کدامین منطق است که هر نوع حادثه، اتفاق و بیماری پیش آمده در عالم ماده را بلای الهی بدانیم؟ آیا انسان نمی تواند منشا این حوادث باشد. چرا این اتفاقات را پدیده‌های طبیعی لحاظ نکنیم تا با عقلانیت و خرد ورزی مدیریت کنیم. انسان آفریده شده است تا تدبیر کند نه اینکه تسلیم شود. آری انسان تنها و تنها در مقابل باری تعالی تسلیم می شود. اما در مورد امور دنیوی و مسائل پیش آمده در دنیا می تواند با تکیه بر قوه خدادادی عاقله به مدیریت و رفع آن بپردازد. البته که تدبیر بشری با عنایت و تدبیر الهی منافات نداشته بلکه اراده انسان در طول اراده الهی قرار دارد.(طباطبایی، 1362: 176)

**7-4- نپذیرفتن قدرت علم**

از جمله عواملی که باعث می شود در مقابل بیماری کرونا تدبیر صحیحی اندیشیده نشود نوع نگاه به علم تجربی است. مخالفان علم تجربی بر این باورند از آنجا که این علم دائماً در معرض رد و ابطال است نمی‌تواند مرجع انسان در رفع و حل مشکلات باشد از این رو علم پزشکی را به عنوان شاخه ای از علم تجربی که حاصل تاملات و تلاشهای انسان مدرن است، وقعی ننهاده و تلاش می کنند با طب سنتی، عامیانه و به نام طب دینی به رفع مشکلات بپردازند. در نزد آنان اساسا علم تجربی نوعی تجارت است یعنی به جای اینکه در صدد رفع نیازهای انسانی باشد تلاش می‌کند انسان را به عنوان کالایی محملی برای تجارت خویش قرار دهد. باید گفت این نوع نگاه ریشه در نوعی سنت گرایی دارد که با مدرنیته از بنیاد مخالفت می کند. نتیجه این رفتار ظهور تعارض علم و دین بود. لازمه رهایی از این نوع نگاه، ارتباط با جهان مدرن و پذیرفتن تجربه به عنوان یکی از منابع معرفت بشر می باشد.

**8-4- جهان بینی قرون وسطایی**

نپذیرفتن جهان جدید و ماندن درجهان قرون وسطایی از دیگر عوامل رفتارهای نادرست در مواجهه با امراض و بیماری هاست. در نگاه قرون وسطایی کانون و محور مسائل انسان، خداوند متعال بود. لذا اگر با مشکلات و مسائلی مواجه می شدند آن را خدادادی می دانستند. هر نوع بیماری را بلای الهی می پنداشتند و معتقد بودند آن بلاها نتیجه گناهان انسانها است و در نتیجه به استغفار و دعا و نیایش و پرداخت کفاره اقدام می‌کردند. در حقیقت انسانهایی که بیماری را بلای الهی می پندارند و با دعا و نیایش در صدد رفع و زوال آن هستند دچار مغالطه اخذ مابالعرض مکان مابالذات شده اند. یعنی به جای اینکه تلاش کنند با به کارگیری علم و عقل، علت حقیقی امراض را بیابند راحت ترین کار یعنی تسلیم طبیعت شدن و بی تدبیری را انتخاب کردند. نهایتا نه تنها در کنترل بیماری موفق نشدند که به شیوع آن نیز کمک کردند.

1. **راههای اصلاح رفتارهای نامعقول**

مساله این است که راههای برون رفت از وضعیت پیش آمده چیست چه ابزارهای نظری و عملی برای رهایی از رفتارهای غیرعقلانی می توان مطرح کرد؟

**1-5- پذیرفتن واقعیت**

از منظر منطقی اولین سوال در مواجهه با هر مسئله ای سوال از وجود آن می باشد. لذا اولین گام در مواجهه با هر نوع مشکلی و امکان مدیریت آن، پذیرفتن آن مشکل است که می توان با تکیه بر مبنای جهان شناسانه این امر را توجیه کرد. از دیدگاه فلسفی عالم ماده خیر محض نیست بلکه مجموعه ای از خیر و شر است. هر چند شرور وجود بالذات ندارند بلکه از عدم خیر ناشی می شوند و در ما نحن فیه بیماری به عنوان شر همان عدم سلامتی به عنوان خیراست، اما به عنوان عدم مضاف بهره ای از وجود داشته و باید به عنوان امر وجودی پذیرفته شود. پذیرفتن واقعیتی به نام بیماری های واگیر دار مثل کرونا به عنوان یکی از واقعیتهای موجود در جهان ماده در تدبیر و مدیریت آن کمک شایانی می تواند داشته باشد.

**2-5- تحلیل درست از واقعه**

بعد از پذیرفتن وجود بیماری به عنوان مقتضی عالم ماده، سوال منطقی دوم که مطرح می شود، سوال از ماهیت و چیستی می باشد. به عبارت علمی تر، باید به تحلیل درست آن واقعه پرداخت. اینجاست که می توان از مبانی جهان شناسانه موجود در فلسفه اسلامی به نحو احسن استفاده کرد. مطابق این مبانی شرور حاصل تزاحم موجود در عالم ماده است از این منظر عالم ماده نه تنها مقتضی شرور بلکه علت آن می باشد. به عبارت دیگر انواع بیماری ها دنیوی و بشری بوده و انسان باید با خردورزی و به کارگیری عقل خویش در صدد علت‌یابی بوده تا بتواند آن را تدبیر کند. به کار گیری عقل، استفاده از تجارب علمی مثل قرنطینه، پیشگیری، درمان از جمله این تدابیر می باشد. از این حیث بیماری ها بلای الهی نیستند و رفتار مبتنی بر تسلیم نادرست است بلکه امری بشری بوده و برای رفعش باید از تدابیر عقلی و علمی استفاده کرد. در کنار آنها دعا و نیایش به درگاه باری تعالی و درخواست عنایت الهی در رفع سریع این مساله می تواند جزء اعمال و رفتارهای بشر مطرح بشود.

**3-5- اصلاح فهم دینی**

تنقیح پیش فرض ها در فهم دین، تعیین معیارهای فهم دین و همچنین تحدید حدود انتظار از دین حیاتی ترین و ضروری ترین مساله دینی برای انسان معاصر است.(مجتهد شبستری، 1375: 34-13) می توان بین اصناف دین ورزی تمایز قائل شد تمایزی که کمک شایانی در اصلاح فهم انسانها از دین ارائه می کند. دین ورزی مصلحت اندیش یا غایت اندیش یا معیشت اندیش، دین ورزی معرفت اندیش و دین ورزی تجربت اندیش. در دین ورزی مصلحت اندیش غایت، مصلحت و نتیجه ی دنیوی یا اخرویِ عقیده و عمل پیش چشم دیندار است. دینی است برای رندگی. این نوع دین ورزی عامیانه، معلل، میراثی، جبری، عاطفی، آدابی، مناسکی، پر اسطوره، تقلیدی، سنتی و عادتی است و حجم عمل ملاک غلظت و رقت ایمان است. دین ورزی معرفت اندیش که با دین کلامی و فلسفی منطبق است مبتنی بر مداقه و بررسی های عقلی است و همیشه از یک دستگاه فلسفی تغذیه می کند. این نوع از دین ورزی استدلالی، تحقیقی، اختیاری غیر اسطوره‌ای و غیر تقلیدی است. اما دین ورزی تجربت اندیش نه مانند مصلحت اندیش عملی است و نه مانند معرفت اندیش نظری بلکه قلبی و قائم به تجربه عرفانی است. این نوع از دین ورزی عشقی، کشفی، تجربی، یقینی، فردی و شهودی می باشد.(سروش، 1380: 155-143) گذر از این دین ورزی معیشت اندیش به دین ورزی معرفت اندیش می تواند مهمترین گام در اصلاح فهم انسان ها از دین واقع شود.

**4-5- پذیرفتن جایگاه عقل**

در متون دینی عقل و دعوت به تعقل از ارکان دین داری و دین ورزی مطرح شده است به نحوی که دینداری هیچ تلازمی با تعطیلی عقل ندارد. حتی تدین بدون تعقل مطرود می باشد. از جمله افتخارات دین مبین اسلام دعوت به عقل ورزی است. از این رو یکی از منابع استنباط احکام، عقل است. حال اگر تقریر حداکثری از دین ارائه شود به نحوی که دین را متکفل تمام شئون زندگی بدانیم و خردورزی را فرع بر این بدانیم عملا عقل تعطیل شده و دین و آموزه های دینی از مسیر و مقصد اصلی خود خارج می شود. باید بپذیریم که دین نازل شده است تا معقول واقع شود. بی توجهی به موازین عقلی نتیجه ای جز دین گریزی نخواهد داشت. لازمه عقل ورزی رهایی از جهان بینی قرون وسطایی و همچنین پذیرفتن جایگاه حقیقی علم می باشد. منطق و عدالت حکم می کند که دین، عقل و علم هر کدام در جای خود قرار بگیرند و تعامل آنها می تواند سلامت و سعادت دنیوی و اخروی را به ارمغان بیاورد.

**نتیجه گیری**

بنا به آنچه گفته شد جوامع دینی اگر خردورزی را سرلوحه خویش قرار ندهند همواره با ظهور پدیده های جدید همچون ویروس کرونا دچار تزلزل نظری و عملی خواهند شد. ارزیابی دائمی مبانی اعتقادی، تمییز بین یقینیات دینی از مشهورات دینی و ارتباط آنها با عقلانیت و علوم تجربی مانع هر نوع جمود و خشکه مقدسی می شود. در غیر این صورت، علیرغم تلاش برای دفاع از دین و تعالیم دینی، با اتخاذ باورهای ناموجه و رفتارهای نامعقول در مواجهه با پدیده های طبیعی، دین را از دایره زندگی خارج ساخته و عملاً با این رفتار نادرست به تعارض بین دین و عقل و علم دامن زده و نهایتا به نفی دین منجر می شود. باید بپذیریم که دین نازل شده است تا معقول واقع شود. لذا می توان گفت عقل و به کارگیری موازین عقلی از چنان قدرتی برخوردار است که هر نوع تعارض بین دین، عقل و علم را رفع می کند. بازخوانی مشهورات دینی، تنقیح پیش فرض ها در فهم دین، تعیین معیارهای فهم دین و همچنین تحدید حدود انتظار از دین بهترین راه برای دفاع از دین و رفع هر نوع تعارضی بین دین با سایر مقولات می باشد.

**منابع و مآخذ**

آبراهامیان، یرواند؛ اشرف، احمد؛ همایون کاتوزیان، محمدعلی) 1390 (، جستارهایی درباره تئوری توطئه در ایران، گردآوری و ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی

 بوکاچیو ، جووانی) 1393(، دکامرون، ترجمه محمد قاضی، تهران، نشر مازیار

ترکمان، اسکندر بیگ) 1387(، تاریخ عالم آرای عباسی، زیر نظر ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ج1و2

دورانت، ویل (1373) الف، تاریخ تمدن، جلد چهارم بخش اول، عصر ایمان، مترجمان ابوطالب صارمی، ابوالقاسم پاینده و ابوالقاسم طاهری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی بخش اول

--------( 1373 ب)، تاریخ تمدن، جلد چهارم بخش دوم، عصر ایمان، مترجم ابوالقاسم طاهری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی

-------( 1373 ج)، تاریخ تمدن، جلد پنجم، رنسانس، مترجمان صفدر تقی زاده و ابوطالب صارمی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی

------(1371)، تاریخ تمدن، جلد ششم، اصلاح دینی، مترجمان فریدون بدره ای، سهیل آذری و پرویز مرزبان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی

سروش، عبدالکریم( 1376) ، مدارا و مدیریت، تهران، انتشارات موسسه فرهنگی صراط

--------------( 1378) ، حدیث بندگی و دلبردگی، تهران، انتشارات موسسه فرهنگی صراط

--------------(1379) ، بسط تجربه نبوی، تهران، انتشارات موسسه فرهنگی صراط

--------------(1380) ، اخلاق خدایان، تهران، انتشارات طرح نو

روزبهان خنجی اصفهانی، فضل الله(1382) ، تاریخ عالم آرای امینی، تصحیح محمد اکبر عتیق، تهران، میراث مکتوب

روملو، حسن بیگ (1384)، احسن التواریخ، تصحیح و تحشیه عبدالحسین نوایی، تهران، انتشارات اساطیر

کمپفر، انگلبرت(1360)، سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، انتشارات خوارزمی

طباطبایی، محمد حسین (1362)، نهایه الحکمه، قم، موسسه نشر اسلامی

لارنس لاکهارت (1383)، انقراض سلسله صفویه، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی

مجتهد شبستری، محمد(1375) ، هرمنوتیک، کتاب و سنت، تهران، انتشارات طرح نو

مطهری، مرتضی، 1378 الف، مجموعه آثار، ج2، تهران، انتشارات صدرا

-------------) 1378 (، مجموعه آثار، ج4، تهران، انتشارات صدرا

-------------، 1389، مجموعه آثار، ج24، تهران، انتشارات صدرا

1. . استادیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، email: ac.haghighat@azaruniv.ac.ir [↑](#footnote-ref-1)